

Submit Date: 03 December 2025

Revise Date: 02 June 2026

Accept Date: 10 June 2026

Initial Publish: 11 June 2026

Final Publish: 23 August 2027

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Criminological Analysis of Violent Robbery

Mahmood Bahrami¹, Hasan Poorbafrani^{2*}, Mohsen Shekarchizadeh³

1. PhD Student, Department of Criminal Law and Criminology, Na.C., Islamic Azad University, Najafabad, Iran

2. Associate Professor, Department of Law, University of Isfahan, Isfahan, Iran

3. Department of Law, Na.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran

* Corresponding Author's Email: hpoorbafrani@ase.ui.ac.ir

ABSTRACT

Violent robbery is one of the oldest and most enduring forms of criminal behavior in the history of human societies. This article adopts a historical perspective to examine the evolution of this type of crime, from medieval highway robbers to contemporary armed offenders. It analyzes the factors contributing to both the emergence and decline of violent robbery and demonstrates that although modern security structures and technological advancements have led to a relative reduction in its occurrence, it continues to represent a serious threat in many parts of the world. The article further provides a process-oriented analysis of violent robberies by identifying and explaining five key stages: target selection, creation of surprise, victim control, acquisition of property, and escape. This stage-based approach to criminal conduct facilitates the identification of intervention points and supports the development of effective preventive and repressive strategies. Finally, by focusing on offenders' behavioral patterns and examining criminogenic environments, the study proposes a number of measures aimed at reducing this form of criminality.

Keywords: Violent robbery, criminality, crime commission process, offender behavioral analysis, preventive measures.

How to cite: Bahrami, M., Poorbafrani, H., & Shekarchizadeh, M. (2027). Criminological Analysis of Violent Robbery. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 5(3), 1-20.



تاریخ ارسال: ۱۲ آذر ۱۴۰۴
 تاریخ بازنگری: ۱۲ خرداد ۱۴۰۵
 تاریخ پذیرش: ۲۰ خرداد ۱۴۰۵
 تاریخ چاپ اولیه: ۲۱ خرداد ۱۴۰۵
 تاریخ چاپ نهایی: ۱ شهریور ۱۴۰۶

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

تحلیل جرم شناختی سرقت همراه با خشونت

محمود بهرامی^۱، حسن پوربافرانی^{۲*}، محسن شکرچی زاده^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

۲. دانشیار، گروه حقوق، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۳. گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: hpoorbafrani@ase.ui.ac.ir

چکیده

سرقت همراه با خشونت یکی از قدیمی‌ترین و ماندگارترین اشکال بزهکاری در تاریخ جوامع انسانی است. این مقاله با نگاهی تاریخی به سیر تحول این نوع جرم، از راهزنان قرون وسطی تا دزدان مسلح معاصر، به بررسی عوامل مؤثر در ظهور و کاهش آن پرداخته و نشان می‌دهد که گرچه ساختارهای امنیتی و فناوری‌های نوین موجب کاهش نسبی این جرم شده‌اند، اما همچنان تهدیدی جدی در بسیاری از نقاط جهان محسوب می‌شود. در ادامه، مقاله به تحلیل فرآیندی سرقت‌های خشونت‌آمیز می‌پردازد و پنج مرحله کلیدی آن شامل انتخاب هدف، ایجاد غافلگیری، تحت کنترل درآوردن قربانی، به‌دست آوردن اموال، و فرار را تشریح می‌کند. این نگاه مرحله‌ای به جرم، امکان شناسایی نقاط مداخله‌پذیر و طراحی راهبردهای پیشگیرانه و سرکوب‌گرانه مؤثر را فراهم می‌آورد. در نهایت، با تمرکز بر الگوهای رفتاری مجرمان و تحلیل بسترهای جرم‌خیز، راهکارهایی برای کاهش این نوع بزهکاری پیشنهاد می‌شود.

کلیدواژگان: سرقت همراه با خشونت، بزهکاری، فرآیند ارتکاب جرم، تحلیل رفتاری مجرمان، اقدامات پیشگیرانه

سرکوب‌گرانه می‌پردازد و راهکارهایی اثربخش برای کاهش این نوع بزهکاری ارائه می‌دهد. در واقع، سرقت همراه با خشونت را می‌توان به‌عنوان یک فرآیند تحلیل کرد که به اجزای اساسی و مراحل عملیاتی آن تقسیم می‌شود. در این دیدگاه، جرم به‌صورت زنجیره‌ای از اقدامات تعریف می‌شود که هدف نهایی آن، اجرای موفقیت‌آمیز سرقت است. هر جرم از توالی مراحل تشکیل شده است که هر مرحله، زمینه‌ساز مرحله بعدی است. این نگاه فرآیندی به جرم، امکان بررسی دقیق‌تر عناصر تشکیل‌دهنده و شناسایی نقاط ضعف یا قابل مداخله را فراهم می‌کند. در مورد سرقت‌های خشونت‌آمیز، این توالی اقدامات به پنج مرحله اصلی تقسیم می‌شود:

۱- انتخاب هدف: سارق ابتدا هدف خود را تعیین می‌کند، که می‌تواند شامل افراد، مغازه‌ها، بانک‌ها یا اماکن عمومی باشد. در این مرحله، عواملی مانند میزان ارزش هدف، سطح خطر و احتمال موفقیت در نظر گرفته می‌شود.

۲- ایجاد غافلگیری: برای افزایش احتمال موفقیت، مجرم معمولاً با ایجاد عنصر غافلگیری، فرصت دفاع یا واکنش قربانی را کاهش می‌دهند. این اقدام می‌تواند شامل تهدید ناگهانی، استفاده از سلاح یا حمله در مکان‌های کم‌تردد باشد.

۳- تحت کنترل درآوردن قربانی: در این مرحله، هدف اصلی سارق، تسلط بر قربانی و حذف هرگونه مقاومت است. استفاده از خشونت فیزیکی یا تهدید به خشونت از ابزارهای اصلی برای کنترل قربانی و محیط اطراف است.

۴- به دست آوردن پول یا اموال: این مرحله شامل جمع‌آوری سریع اموال باارزش است، که ممکن است پول نقد، جواهرات یا وسایل دیگر باشد. سرعت و دقت در این مرحله اهمیت بالایی دارد تا خطر دستگیری کاهش یابد.

۵- فرار کردن: آخرین مرحله، خروج از صحنه جرم و اجتناب از شناسایی یا دستگیری است. برنامه‌ریزی قبلی برای مسیرهای فرار

سرقت همراه با خشونت یکی از قدیمی‌ترین و شناخته‌شده‌ترین اشکال بزهکاری در تاریخ بشری است. از راهزنان مسلح قرون وسطی که مسافران و صومعه‌ها را هدف قرار می‌دادند تا دزدان بزرگراه‌های مدرن در مناطق بی‌ثبات، این جرم همواره با تهدید و اعمال خشونت همراه بوده است. در جوامع غربی قرون وسطی، ضعف ساختارهای دولتی و انتظامی فرصتی طلایی برای گروه‌های راهزن فراهم می‌کرد تا با تهاجم به مزارع و کاروان‌های تجاری، اموال ارزشمند را به غارت ببرند. این راهزنان، برخلاف بسیاری از مجرمان امروزی، به‌صورت گروهی عمل کرده و از خشونت شدید برای دستیابی به اهداف خود بهره می‌بردند.

در دنیای مدرن، سرقت‌های خشونت‌آمیز چهره‌ای متفاوت به خود گرفته است. در برخی مناطق، مانند کشورهای ناپایدار آفریقایی، شاهد استفاده از تاکتیک‌های مشابه دوران گذشته هستیم. در سایر کشورها، از جمله کانادا و ایالات متحده، این نوع جرایم بیشتر در قالب سرقت‌های انفرادی یا گروه‌های کوچک انجام می‌شود که هدفشان اماکن عمومی، مغازه‌ها و بانک‌ها است. اگرچه پیشرفت‌های فناوری و بهبود تدابیر امنیتی، همچون نظارت تصویری و پرداخت‌های غیرنقدی، منجر به کاهش چشمگیر نرخ این جرایم در دهه‌های اخیر شده است، اما سرقت‌های خشونت‌آمیز همچنان یکی از نگرانی‌های اساسی در حوزه جرایم محسوب می‌شود.

این مقاله علاوه بر بررسی تاریخچه و عوامل مؤثر بر رشد و کاهش سرقت‌های خشونت‌آمیز، قصد دارد به‌طور ویژه به تحلیل عناصر تشکیل‌دهنده این نوع جرم بپردازد. با نگاهی عمیق به ویژگی‌های اصلی سرقت‌های خشونت‌آمیز، از جمله تکرار جرم، انتخاب قربانیان و مکان‌های خاص، و انگیزه‌های مجرم، تلاش می‌شود تا درک بهتری از ماهیت این جرم حاصل شود. همچنین، این مطالعه به بررسی تأثیر اقدامات پیشگیرانه و راهبردهای

خرده‌فروشی بالایی دارند، اغلب به دلیل امکان دسترسی بیشتر به منابع مالی و اجناس ارزشمند، هدف اولویت‌دار برای سارقان محسوب می‌شوند. در نتیجه، ترکیبی از فرصت و کمترین میزان تهدید، منطقه‌ای ایده‌آل برای یک عملیات سرقت را شکل می‌دهد (Safa & Fouladi, 2019).

۲- انتخاب نوع هدف

در فرآیند انتخاب نوع هدف برای سرقت، سارقان به‌طور استراتژیک اقدام به شناسایی و ارزیابی گزینه‌های مختلف می‌کنند. اهداف ممکن است طیف گسترده‌ای را شامل شوند، از بانک‌ها که دارای مقادیر زیادی پول نقد هستند، گرفته تا فروشگاه‌های کوچک یا بارها که امنیت کمتری دارند، اما ممکن است درآمد روزانه قابل توجهی داشته باشند (Bastani et al., 2018). عابران پیاده و فروشندگان مواد مخدر نیز می‌توانند اهدافی باشند که به دلیل قابل حمل بودن دارایی‌ها یا پول نقد مورد توجه قرار می‌گیرند. سارقان معمولاً اهدافی را ترجیح می‌دهند که احتمال مقاومت کمتری داشته باشند و مسئول نگهداری دارایی‌هایی باشند که به خودشان تعلق ندارد، مانند کارکنان صندوق فروشگاه‌ها یا بانک‌ها. این موضوع به این دلیل است که افراد در چنین موقعیت‌هایی معمولاً تمایل بیشتری به همکاری دارند، چرا که خطری مستقیم برای دارایی شخصی آن‌ها وجود ندارد. یکی دیگر از عوامل مهم، آسیب‌پذیری هدف است (Mohammad Nasl, 2017). اهدافی که از سیستم‌های امنیتی ساده‌تر استفاده می‌کنند یا در مناطقی با نظارت ضعیف قرار دارند، بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند. به‌عنوان مثال، فروشگاه‌هایی که دوربین‌های امنیتی قدیمی یا نیروی حفاظتی ناکافی دارند، معمولاً برای سارقان جذاب‌تر هستند (Ahmadi, 2016).

با این حال، در مواردی که اهداف دارای سیستم‌های امنیتی پیچیده‌تر باشند، سارقان باید ریسک بیشتری را بپذیرند.

یا استفاده از وسایل نقلیه، از مواردی است که سارقان برای اطمینان از موفقیت به آن توجه می‌کنند.

اگرچه این مراحل معمولاً به‌سرعت و بدون توقف پشت سر هم انجام می‌شوند، اما هر کدام برای موفقیت سرقت ضروری هستند. شکست در هر یک از این مراحل می‌تواند عملیات را ناکام بگذارد و سارق را در معرض دستگیری یا شکست قرار دهد. تحلیل دقیق این مراحل به شناسایی نقاط مداخله‌پذیر کمک می‌کند و امکان طراحی راهکارهای پیشگیرانه و مقابله‌ای مؤثر را فراهم می‌آورد. در ادامه، هر یک از مراحل پنج‌گانه سرقت خشونت‌آمیز به‌طور تفصیلی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. تلاش می‌شود با تحلیل دقیق هر مرحله، ابعاد رفتاری، روانی و عملیاتی مجرمان شناسایی شده و زمینه‌های بالقوه برای مداخله پیشگیرانه و کاهش وقوع این نوع جرم تبیین گردد.

الف: انتخاب هدف و اتخاذ تصمیمات کلیدی پیش از اقدام

یکی از مهم‌ترین مراحل در فرآیند سرقت همراه با خشونت، انتخاب هدف و اتخاذ تصمیمات کلیدی پیش از اقدام است. این مرحله می‌تواند تفاوت میان موفقیت یا ناکامی یک عملیات سرقت را تعیین کند. در ادامه، عناصر مختلف این مرحله بررسی می‌شوند:

۱- انتخاب منطقه عملیاتی

برای انجام یک عملیات سرقت موفق، انتخاب منطقه عملیاتی یکی از مهم‌ترین مراحل برنامه‌ریزی است. در این فرآیند، سارق به دنبال محل‌هایی است که اهداف ارزشمند، یعنی اموال یا منابع قابل سرقت، در آن به فراوانی وجود داشته باشند. همچنین، میزان نظارت امنیتی منطقه نیز در این انتخاب نقش کلیدی دارد؛ مناطقی که سیستم‌های نظارتی ضعیف‌تری دارند یا از حضور نیروی امنیتی کمتری برخوردارند، از دید سارقان جذاب‌تر به نظر می‌رسند. خطرات احتمالی، مانند وجود گشت‌های پلیس یا افرادی که ممکن است مانع عملیات شوند، نیز باید به‌دقت ارزیابی شوند. برای مثال، محله‌هایی با بازارهای مواد مخدر یا مناطقی که تراکم فروشگاه‌های

انتخاب استفاده از اسلحه گرم نیازمند موازنه دقیق بین مزایا و معایب آن است، زیرا این تصمیم می‌تواند به‌طور مستقیم بر نتیجه عملیات و پیامدهای قانونی آن تأثیر بگذارد (Madani, 2017).

تغییر چهره: ابزاری برای کاهش خطر شناسایی

تغییر چهره یکی از روش‌های مؤثر برای کاهش خطر شناسایی در عملیات سرقت است. استفاده از ابزارهایی مانند عینک دودی، کلاه‌گیس، نقاب یا شال‌گردن می‌تواند به پنهان کردن هویت سارق کمک کند. این اقدامات نه تنها قربانی را دچار سردرگمی کرده و توانایی او برای توصیف دقیق مظنون را کاهش می‌دهد، بلکه شناسایی مجرم توسط پلیس یا از طریق تصاویر دوربین‌های مداربسته را نیز دشوارتر می‌سازد (Bertau, 2021).

با افزایش تعداد دوربین‌های مداربسته در مکان‌های عمومی و خصوصی، اهمیت استفاده از ابزارهای تغییر چهره بیشتر از گذشته شده است. سارقان با استفاده از این روش‌ها تلاش می‌کنند تا ویژگی‌های چهره خود را از دید دوربین‌ها پنهان کرده و احتمال تطبیق تصویر آن‌ها با پایگاه‌های داده پلیس را کاهش دهند (Qorban Hosseini, 2016). این استراتژی، به‌ویژه در سرقت‌هایی که در مناطق پرتردد یا مکان‌هایی با سطح بالای نظارت امنیتی انجام می‌شوند، بسیار کاربردی است. در مجموع، تغییر چهره نه تنها ابزاری برای محافظت از هویت سارق است، بلکه بخشی از یک برنامه‌ریزی دقیق برای جلوگیری از دستگیری و شناسایی پس از ارتکاب جرم به شمار می‌رود.

عمل انفرادی یا گروهی؟

کار گروهی مزایایی مانند تقسیم وظایف میان اعضا، کنترل قربانیان، جمع‌آوری پول و رانندگی برای فرار دارد. اما چالش‌هایی نیز دارد، از جمله ضرورت تقسیم غنایم و احتمال لو رفتن جرم توسط یکی از همدستان (Souri, 2019).

پیچیدگی این سیستم‌ها شامل دوربین‌های پیشرفته، درهای قفل‌شده با رمز، حضور نیروی انتظامی یا هشداردهنده‌های فوری است که همگی ریسک عملیات را افزایش می‌دهند. اما در عین حال، چنین اهدافی معمولاً دارای پاداش‌های بزرگ‌تری مانند مقادیر قابل‌توجه پول نقد یا اقلام ارزشمند هستند. از این‌رو، سارقان در چنین مواردی بین میزان ریسک و پاداش نهایی تعادل ایجاد می‌کنند. به‌طور کلی، انتخاب نوع هدف به ترکیبی از عواملی مانند میزان آسیب‌پذیری، سطح امنیت و ارزش دارایی هدف بستگی دارد. این فرآیند با تحلیل دقیق و ارزیابی موقعیت انجام می‌شود تا سارقان بتوانند به بیشترین منفعت با کمترین میزان خطر دست یابند (Khalatbari et al., 2020).

۳- استفاده از اسلحه گرم: تصمیمی استراتژیک

استفاده از اسلحه گرم در سرقت اقدامی استراتژیک است که با مزایا و معایب قابل‌توجهی همراه است. از مزایای استفاده از اسلحه می‌توان به افزایش باورپذیری تهدید اشاره کرد، زیرا قربانیان در مواجهه با سلاح گرم بیشتر احساس خطر می‌کنند و احتمال مقاومت آن‌ها کاهش می‌یابد. همچنین، سارقان با داشتن اسلحه می‌توانند کنترل همزمان بر چندین نفر را به دست آورند و در عین حال، تعقیب‌کنندگان احتمالی را نیز از پیگیری منصرف کنند (Khalatbari et al., 2020). اما این تصمیم هزینه‌های جدی نیز به همراه دارد. شدت جرم در صورت استفاده از اسلحه افزایش می‌یابد و خطر مرگ‌ومیر قربانیان یا حتی خود سارقان در صورت شلیک بالا می‌رود. همچنین، قوانین در بسیاری از کشورها برای جرایم همراه با سلاح گرم مجازات‌های سنگین‌تری در نظر می‌گیرند، که می‌تواند شامل حبس طولانی‌مدت یا حتی مجازات اعدام باشد. در برخی موارد، تهدید ساده به استفاده از نیروی فیزیکی، بدون نیاز به اسلحه، می‌تواند برای موفقیت عملیات کافی باشد. این موضوع به‌ویژه در شرایطی که قربانیان آسیب‌پذیرتر هستند یا آمادگی مقابله را ندارند، بیشتر صادق است. در نهایت،

مدت زمان عملیات

مدت زمان عملیات یکی از عوامل کلیدی در موفقیت سرقت است، زیرا سارقان به خوبی آگاهند که هرچه مدت بیشتری در محل جرم باقی بمانند، احتمال دستگیری آنها افزایش می‌یابد. به همین دلیل، عملیات سرقت معمولاً با دقت برنامه‌ریزی می‌شود تا در کوتاه‌ترین زمان ممکن انجام گیرد. آمارها نشان می‌دهند که در کشورهایی مانند کانادا، بسیاری از سارقان تلاش می‌کنند عملیات خود را در کمتر از یک دقیقه به پایان برسانند و محل جرم را ترک کنند. این سرعت عمل به آنها کمک می‌کند تا پیش از رسیدن پلیس یا جلب توجه شاهدان، از محل دور شوند. برای دستیابی به این هدف، سارقان معمولاً از روش‌های از پیش تعیین‌شده استفاده می‌کنند و مسیر فرار را به دقت برنامه‌ریزی می‌کنند. حتی انتخاب ابزارهای مورد استفاده و هماهنگی میان اعضای گروه بر اساس نیاز به کاهش مدت زمان عملیات انجام می‌شود (Keynia, 2018).

به‌طور کلی، زمان‌بندی دقیق یکی از عوامل کلیدی است که می‌تواند میزان موفقیت یا شکست یک عملیات سرقت را تعیین کند.

برنامه‌ریزی فرار

برنامه‌ریزی فرار یکی از حیاتی‌ترین مراحل در هر عملیات سرقت است، زیرا موفقیت نهایی به توانایی سارقان در ترک سریع و ایمن محل جرم بستگی دارد. در این مرحله، انتخاب وسیله نقلیه، تعیین مسیر فرار و مشخص کردن مقصد نهایی از اهمیت بالایی برخوردارند. وسیله نقلیه باید قابل اعتماد، سریع و متناسب با شرایط محل باشد. برخی از سارقان از خودروهای معمولی که کمتر جلب توجه می‌کنند استفاده می‌کنند، در حالی که گروه‌های حرفه‌ای ممکن است از وسایل نقلیه‌ای با سرعت بالا یا حتی خودروهای دزدی بهره ببرند (Najafi Tavana, 2017). مسیر فرار باید از قبل بررسی و برنامه‌ریزی شود تا از مناطق پرتردد، ایستگاه‌های پلیس و دوربین‌های ترافیکی اجتناب شود. داشتن مسیرهای

جایگزین نیز در صورت بسته شدن یا شناسایی مسیر اصلی ضروری است. مقصد نهایی، محلی امن و دور از محل جرم است که سارقان می‌توانند در آن مخفی شوند یا وسیله نقلیه را تغییر دهند. این محل معمولاً با دقت انتخاب می‌شود تا امکان پیگیری توسط پلیس را کاهش دهد. برنامه‌ریزی ضعیف در این مرحله می‌تواند تمام عملیات را ناکام بگذارد، زیرا حتی اگر سرقت به خوبی اجرا شود، گیر افتادن در مسیر فرار می‌تواند منجر به دستگیری سریع سارقان شود. در نتیجه، مرحله فرار بخشی از استراتژی کلی سرقت است که به همان اندازه مراحل دیگر اهمیت دارد (Keynia, 2018).

غلبه بر ترس اولیه

غلبه بر ترس اولیه یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی است که سارقان، به‌ویژه افراد تازه‌کار، با آن روبه‌رو می‌شوند. این ترس معمولاً ناشی از نگرانی‌های مختلفی مانند احتمال مقاومت قربانی، مداخله افراد حاضر در صحنه یا ورود ناگهانی پلیس است. این احساس اضطراب و استرس می‌تواند توانایی سارق را برای اجرای برنامه تحت تأثیر قرار دهد و منجر به اشتباهات جدی شود. بسیاری از سارقان برای کاهش این اضطراب و افزایش شجاعت خود به مصرف الکل یا مواد مخدر روی می‌آورند. این مواد به‌طور موقت احساس ترس و تردید را سرکوب می‌کنند و به آنها اعتماد به نفس بیشتری برای شروع عملیات می‌دهند. با این حال، استفاده از این روش‌ها نیز می‌تواند خطرات دیگری به همراه داشته باشد، از جمله کاهش تمرکز یا ایجاد رفتارهای غیرمنطقی که ممکن است عملیات را به خطر بیندازد (Taj Zaman, 2019).

به‌طور کلی، مرحله انتخاب و آماده‌سازی برای سرقت، به‌ویژه سرقت همراه با خشونت، شامل ترکیبی از تصمیم‌گیری‌های سریع، ارزیابی دقیق ریسک، و اقدامات آماده‌سازی است. درک این عناصر به تحلیلگران جرم کمک می‌کند تا رفتار سارقان را بهتر پیش‌بینی کنند و نقاط مداخله را شناسایی کنند. این اطلاعات می‌تواند به

یورش ناگهانی

یورش ناگهانی روشی است که در آن سارقان به جای استفاده از آرامش اولیه برای فریب قربانی، از حمله‌های سریع و شتاب‌زده بهره می‌برند. در این روش، هدف ایجاد هرج و مرج و ترساندن قربانیان است تا آن‌ها قادر به واکنش مؤثری نباشند. چگونگی انجام این روش معمولاً شامل ورود سریع و با صدای بلند به محل است، که به‌طور ناگهانی توجه همه افراد حاضر را جلب می‌کند. سارقان ممکن است با فریاد زدن یا تهدید کردن شروع کنند تا فضای پرتنش و ترسناکی ایجاد کنند. این اقدام موجب می‌شود که قربانیان دچار سردرگمی شده و به جای مقاومت، تنها به دنبال ایمنی خود باشند (Moradi & Sharifi, 2018).

این روش معمولاً در سرقت‌های گروهی از مکان‌هایی مانند بانک‌ها یا فروشگاه‌های بزرگ به کار می‌رود، جایی که تعداد زیادی از افراد در محل حضور دارند. در چنین محیط‌هایی، سارقان به دلیل در دست داشتن فضای گسترده و تعداد بیشتر، می‌توانند به راحتی از هرج و مرج ایجادشده بهره‌برداری کنند و از واکنش‌های احتمالی جلوگیری کنند. هدف از این روش این است که ترس و شتاب‌زده بودن، فرصت هرگونه واکنش مؤثر را از قربانیان سلب کند، و این امر شانس موفقیت عملیات را به میزان زیادی افزایش می‌دهد.

سوءاستفاده از حواس پرتی قربانی

سوءاستفاده از حواس پرتی قربانی یکی از ساده‌ترین و مؤثرترین روش‌های غافلگیر کردن است که سارقان از آن بهره می‌برند. در این روش، سارق از لحظاتی که قربانی توجه کافی به اطراف خود ندارد، استفاده می‌کند تا به‌طور ناگهانی وارد عمل شود. موارد رایج حواس پرتی که سارقان به آن توجه دارند، شامل استفاده از تلفن همراه، گوش دادن به موسیقی با هدفون یا تحت تأثیر مواد مخدر یا الکل بودن قربانی است (Hosseini & Ahmadi, 2016). زمانی که فرد در حال انجام یکی از این فعالیت‌هاست، احتمال توجه نداشتن به اطراف و محیط بیشتر می‌شود و این فرصت را

طراحی راهکارهای پیشگیرانه و کاهش وقوع چنین جرایمی کمک کند.

ب: غافلگیر کردن: نقش عنصر غافلگیری در سرقت همراه با خشونت

عنصر غافلگیری یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت در سرقت همراه با خشونت است. اگر قربانی از خطر آگاه شود، ممکن است فرار کند، کمک بخواهد یا برای مقاومت آماده شود. بنابراین، سارقان از روش‌های متنوعی برای ایجاد غافلگیری استفاده می‌کنند که بسته به شرایط و محیط متفاوت است.

نزدیک شدن به صورت عادی

نزدیک شدن به صورت عادی یکی از روش‌های مرسوم در سرقت است که در آن سارق وارد محل جرم شده و به‌طور طبیعی و به‌عنوان یک فرد عادی یا مشتری رفتار می‌کند. این رویکرد به‌ویژه در مکان‌هایی مانند فروشگاه‌های کوچک یا بانک‌ها به کار می‌رود، جایی که سارقان می‌خواهند بدون جلب توجه، عملیات خود را شروع کنند (Namavar, 2021). مراحل انجام این روش معمولاً شامل ورود عادی به محل است، جایی که سارق هیچ‌گونه رفتار مشکوکی از خود نشان نمی‌دهد. پس از آن، سارق سعی می‌کند تا اعتماد اولیه قربانی را جلب کند؛ ممکن است با صحبت‌های دوستانه یا درخواست‌هایی ساده مانند خرید یا انجام یک تراکش مالی، به قربانی نزدیک شود. سپس، در زمانی مناسب، سارق به‌طور ناگهانی سلاح خود را به نمایش می‌گذارد و تهدید به استفاده از آن می‌کند (Yousefzadeh & Kamrani, 2017).

مزیت اصلی این روش این است که به قربانی احساس آرامش اولیه می‌دهد. قربانی ممکن است به دلیل رفتار طبیعی و غیرتهدیدآمیز سارق، احساس خطر نکند و همین امر او را از نظر روانی خلع سلاح می‌کند. این وضعیت باعث می‌شود که قربانی کمتر مقاومتی از خود نشان دهد و به راحتی تسلیم شود، که این امر شانس موفقیت سارق را به‌طور قابل توجهی افزایش می‌دهد.

واکنشی نشان دهد، کنترل او را در دست بگیرد. مطالعات مختلف نشان می‌دهند که این روش یکی از استراتژی‌های رایج در سرقت‌های خیابانی است. به‌ویژه در شرایطی که محیط کم‌نور یا خلوت است، سارقان از این روش برای غافلگیری قربانیان و کاهش احتمال مقاومت یا واکنش آن‌ها استفاده می‌کنند. انتخاب روش مناسب برای غافلگیری به عواملی مانند نوع محیط، تعداد قربانیان و آمادگی سارق بستگی دارد. همچنین، شناسایی این استراتژی‌ها به تحلیلگران جرم کمک می‌کند تا راهبردهای پیشگیرانه مؤثری طراحی کرده و از وقوع چنین جرایمی جلوگیری کنند (Beheshti, 2020).

ج: تسلیم کردن: ایجاد اطاعت کامل قربانی در سرقت همراه با خشونت

غافلگیر کردن به تنهایی برای موفقیت در سرقت کافی نیست. برای اینکه عملیات به نتیجه برسد، سارق باید قربانی را کاملاً تسلیم کند و هرگونه فکر مقاومت را از ذهن او دور نماید. این فرآیند شامل ایجاد رعب و وحشت روانی و گاهی استفاده از تهدیدات مستقیم یا اقدامات فیزیکی است.

ایجاد رعب و وحشت روانی

ایجاد رعب و وحشت روانی یکی از مؤثرترین ابزارهای سارقان است که به آن‌ها کمک می‌کند تا عملیات خود را با موفقیت بیشتری انجام دهند. ترس، به‌ویژه زمانی که به‌طور مؤثر در قربانی ایجاد شود، می‌تواند تأثیر زیادی بر رفتار او داشته باشد و احتمال مقاومت را کاهش دهد. اهمیت ترس در این است که اگر قربانی نترسد یا احساس خطر نکند، ممکن است مقاومت کند یا از اطاعت دستور سارق سرباز بزند. این وضعیت می‌تواند عملیات را به خطر بیندازد و باعث ناکامی سارق شود. تحقیقات نشان داده‌اند که ایجاد ترس در قربانی به‌طور قابل‌توجهی احتمال موفقیت عملیات را افزایش می‌دهد، زیرا قربانی در شرایطی که دچار وحشت می‌شود،

برای سارق فراهم می‌آورد تا به‌راحتی به قربانی نزدیک شود. چگونگی اقدام به این روش معمولاً به این صورت است که سارق به آرامی به قربانی نزدیک می‌شود، بدون اینکه او متوجه حضورش شود. سپس، در لحظه مناسب، سارق عمل خود را آغاز می‌کند، که می‌تواند شامل سرقت یا تهدید به استفاده از سلاح باشد.

مطالعات مختلف نشان می‌دهند که قربانیانی که در حال استفاده از تلفن همراه هستند، بیشتر از سایرین در معرض حمله یا سرقت قرار دارند. این موضوع به‌ویژه به دلیل تمرکز پایین فرد بر اطراف خود و عدم توجه به خطرات احتمالی است. به همین دلیل، این روش یکی از پرکاربردترین استراتژی‌ها برای سارقان است که می‌خواهند به‌طور سریع و مؤثر به هدف خود برسند (Jalili & Kazemi, 2019).

کمین کردن

کمین کردن یکی از روش‌های بسیار مؤثر در سرقت است که شامل پنهان شدن در مکانی مناسب و سپس حمله ناگهانی به قربانی می‌شود. این روش معمولاً در شرایطی که سارق فرصت کافی برای برنامه‌ریزی و انتخاب زمان مناسب برای اقدام دارد، استفاده می‌شود. چگونگی انجام این روش به این صورت است که سارق در مکانی پنهان، مانند کنار یک کوچه، پشت ماشین یا درخت، منتظر می‌ماند. زمانی که قربانی به‌طور ناگهانی وارد این فضا می‌شود، سارق به او حمله کرده و اقدام به سرقت یا تهدید می‌کند. این روش به سارق این امکان را می‌دهد که کنترل کامل بر موقعیت داشته باشد و در لحظه‌ای که قربانی متوجه خطر نمی‌شود، اقدام کند (Farahani, 2018).

مزیت اصلی این روش این است که به سارق زمان کافی برای برنامه‌ریزی می‌دهد. او می‌تواند لحظه مناسب برای حمله را انتخاب کرده و از هرگونه واکنش احتمالی قربانی جلوگیری کند. همچنین، پنهان شدن در مکان‌های استراتژیک و انتخاب زمان مناسب به او این امکان را می‌دهد که پیش از آنکه قربانی بتواند

است، کاری نکن که به قتل تبدیل شود!» می‌تواند به‌طور مستقیم به ذهن قربانی القا کند که اگر دست به مقاومت بزند، ممکن است جان‌ش در خطر باشد.

ج. اقدامات فیزیکی مستقیم

در برخی موارد، سارقان برای ایجاد حس خطر فوری از اقدامات فیزیکی نیز استفاده می‌کنند. نشانه گرفتن سلاح به سمت سر یا بدن قربانی یکی از این روش‌ها است که می‌تواند ترس را به او منتقل کند و او را مجبور به تسلیم کند. این اقدام نه‌تنها قربانی را از نظر روانی تحت فشار قرار می‌دهد، بلکه حس تهدید فوری به جان او را تقویت می‌کند.

ترساندن شدید قربانی باعث می‌شود که او سریع‌تر تسلیم شود و مقاومتی نکند، که در نهایت احتمال موفقیت عملیات را به‌طور قابل‌توجهی افزایش می‌دهد. در واقع، با استفاده از این روش‌ها، سارق به‌راحتی می‌تواند کنترل موقعیت را در دست بگیرد و از هرگونه تهدید یا اقدام تلافی‌جویانه جلوگیری کند.

روش‌های خاص برای تسلیم کردن

در سرقت‌های همراه با خشونت، سارقان از تاکتیک‌های خلاقانه‌ای استفاده می‌کنند تا قربانیان را به تسلیم وادار کنند. این روش‌ها می‌توانند به شکلی روانی یا فیزیکی اعمال شوند که تأثیر زیادی بر قربانی داشته و شانس موفقیت عملیات را افزایش دهند.

الف. ارسال یادداشت تهدیدآمیز

یکی از روش‌های رایج در سرقت‌های بانکی دهه ۱۹۸۰، ارسال یادداشت تهدیدآمیز به صندوق‌دار یا مسئولین بانک بود. سارق یادداشتی حاوی تهدید می‌داد که به‌طور معمول شامل جملاتی مانند «این یک سرقت مسلحانه است. سریع پول را بده!» می‌شد. این روش در آن زمان به دلیل نبود تجهیزات ایمنی مدرن مانند شیشه‌های ضدگلوله در بانک‌ها ساده‌تر و کم‌خطرتر بود (Fisher, 2005).

معمولاً فاقد توانایی برای ارزیابی منطقی و صحیح وضعیت است و به‌سرعت تسلیم می‌شود (Karimi, 2017).

عکس‌العمل طبیعی بسیاری از افراد در مواجهه با تهدید، تسلیم شدن است. این پاسخ غریزی، به‌ویژه زمانی که قربانی با تهدید مستقیم، به‌ویژه تهدید به استفاده از سلاح، روبه‌رو می‌شود، بسیار قوی‌تر است. افراد غالباً به دلیل ترس از آسیب جسمی یا حتی مرگ، تمایل دارند به‌سرعت اطاعت کنند و از هرگونه مقاومت یا اقدام دفاعی خودداری کنند (Ahmadi, 2019).

بنابراین، ایجاد رعب و وحشت نه‌تنها باعث کاهش مقاومت قربانی، بلکه به سارق این امکان را می‌دهد که کنترل بیشتری بر شرایط داشته باشد و عملیات سرقت را با شانس بیشتری برای موفقیت به پایان برساند.

ترساندن شدید قربانی

ترساندن شدید قربانی یک مرحله بحرانی در سرقت است، به‌ویژه زمانی که قربانی به‌طور طبیعی تسلیم نمی‌شود و مقاومت نشان می‌دهد. در چنین مواقعی، سارق به روش‌های تهاجمی‌تری روی می‌آورد تا قربانی را تحت کنترل خود درآورد و شانس موفقیت سرقت را افزایش دهد.

الف. نمایش قدرت یا سلاح

یکی از مؤثرترین راه‌ها برای ترساندن قربانی، نمایش سلاح است. نشان دادن یک اسلحه مانند تفنگ یا چاقو تأثیر روانی عمیقی بر قربانی می‌گذارد و احساس خطر فوری ایجاد می‌کند. این نمایش قدرت به قربانی پیام می‌دهد که تهدید واقعی است و در صورت عدم اطاعت، آسیب جدی می‌تواند رخ دهد (Rezaei, 2018).

ب. تهدید کلامی

در کنار نمایش سلاح، تهدیدهای کلامی نیز نقش مهمی در ایجاد ترس دارند. استفاده از جملات شدید و هشداردهنده می‌تواند اضطراب و وحشت قربانی را افزایش دهد و او را به تسلیم شدن وادار کند. به‌طور مثال، جملاتی مانند: «این یک سرقت مسلحانه

ب. استفاده از اقدامات تاکتیکی

سارقان ممکن است برای ایجاد هرج و مرج اولیه در محل سرقت اقدام کنند. به طور مثال، ایجاد صداهای بلند، تهدید یا سایر شلوغی‌ها می‌تواند توجه افراد اطراف را جلب کرده و سپس سارق بر روی هدف اصلی خود تمرکز کند. این روش به سارق این امکان را می‌دهد که ابتدا شرایط را به‌طور کامل کنترل کرده و سپس اقدام به سرقت کند. ایجاد اطاعت کامل از قربانی با استفاده از ترکیب رعب و وحشت روانی، تهدیدات کلامی، و نمایش قدرت، کلید موفقیت در سرقت‌های همراه با خشونت است. با درک این استراتژی‌ها، می‌توان اقداماتی مانند تجهیز مکان‌های حساس به سیستم‌های امنیتی مدرن را برای پیشگیری از این نوع جرایم توسعه داد (Feldman, 2007).

ج. تسلط بیشتر بر قربانی

زمانی که روش‌های روانی یا تهدیدات کلامی برای تسلیم قربانی مؤثر نباشد، سارقان ممکن است از تاکتیک‌های شدیدتر و فیزیکی‌تر استفاده کنند که نه تنها مقاومت قربانی را از بین می‌برد، بلکه زمان عملیات را نیز کاهش می‌دهد.

۱- ضربه زدن به قربانی پیش از سرقت

در این روش، سارق به‌طور ناگهانی ضربه‌ای محکم به قربانی وارد می‌کند تا او زمین گیر شود و توانایی دفاع از خود را از دست بدهد. سپس، سارق با سرعت اشیاء ارزشمند مانند کیف پول یا کیف دستی قربانی را به سرقت می‌برد. استفاده از این روش می‌تواند زمان حمله را کوتاه کرده و احتمال مداخله دیگران را کاهش دهد. همچنین، در صورت مقاومت قربانی، این روش می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای غلبه بر او استفاده شود (Najafi Tavana, 2017).

۲- گرفتن گروگان به‌طور موقت

در این تاکتیک، سارق یکی از افراد حاضر در محل را به‌عنوان گروگان می‌گیرد و با تهدید به استفاده از سلاح، سایر افراد را وادار به همکاری می‌کند. به‌عنوان مثال، سارق ممکن است اسلحه را

روی سر گروگان قرار دهد و از بقیه افراد بخواهد که صندوق‌ها یا گاوصندوق‌ها را تخلیه کنند. این اقدام باعث افزایش فشار روانی بر قربانیان شده و احتمال مقاومت را به حداقل می‌رساند. احساس خطر فوری برای جان گروگان، دیگر افراد را به تسلیم شدن وادار می‌کند. نمونه‌های تاریخی نشان داده‌اند که گروگان‌گیری موقت در سرقت‌های بانک‌ها و فروشگاه‌ها رایج بوده است. این روش‌ها به‌طور ویژه برای کاهش زمان عملیات و افزایش احتمال موفقیت سارق بسیار مؤثر هستند (Hosseini, 2020).

استفاده از روش‌های فیزیکی شدیدتر مانند ضربه زدن یا گرفتن گروگان، ابزارهایی مؤثر برای تسلط بر قربانی هستند. این تاکتیک‌ها اگرچه خطرناک‌تر و پیچیده‌تر هستند، اما می‌توانند زمان عملیات را کاهش داده و احتمال موفقیت سارق را افزایش دهند. بررسی و تحلیل این روش‌ها به ما کمک می‌کند تا استراتژی‌های امنیتی و پیشگیرانه مؤثرتری برای کاهش این نوع جرایم توسعه دهیم (Karimi, 2019).

د: به دست آوردن غنیمت

پس از آنکه سارق توانست قربانی را تسلیم کند، مرحله بعدی سرقت دستیابی به غنیمت است. در این مرحله، سارق باید دارایی‌های قربانی را به دست آورد. این مرحله ممکن است به روش‌های مختلفی انجام شود که هر کدام مزایا و خطرات خاص خود را دارند.

دستبرد مستقیم توسط سارق

در این روش، سارق به‌طور مستقیم و بدون استفاده از تهدید یا روش‌های پیچیده، از قربانی پول یا دارایی‌های او را به سرقت می‌برد. این نوع سرقت معمولاً در موقعیت‌های شلوغ یا زمانی که قربانی توجه کافی به محیط ندارد، رخ می‌دهد. سارق ممکن است به‌طور ناگهانی جیب‌های قربانی را بررسی کرده و کیف پول او را بردارد، یا حتی از روی پیشخوان یا کانتر به سمت صندوق‌های

پول یا محفظه‌های موجود در محل دستبرد بزند (Nikpey, 2018).

در خصوص روش اجرا، سارق معمولاً در موقعیتی قرار می‌گیرد که برای اجرای سرقت نیازی به تعامل طولانی با قربانی نداشته باشد. این عملیات به‌طور سریع و بدون جلب توجه انجام می‌شود. به‌عنوان مثال، سارق ممکن است در حین شلوغی یا در هنگام تمرکز قربانی روی فعالیت خاصی، اقدام به سرقت کند. در موارد دیگر، سارق ممکن است از نزدیک به قربانی نزدیک شده و به‌سرعت دارایی‌های او را از جیب یا کیف بردارد (Abbaszadeh, 2020).

این روش، اگرچه سریع و ساده به نظر می‌رسد، اما می‌تواند با خطرات قابل‌توجهی برای سارق همراه باشد. یکی از خطرات اصلی، احتمال واکنش متقابل از سوی قربانی است، به‌ویژه اگر قربانی در موقعیتی باشد که بتواند از خود دفاع کند یا دست به مقاومت بزند. این نوع سرقت ممکن است با برخورد فیزیکی یا درگیری منجر به آسیب برای سارق یا قربانی شود. در شرایطی که قربانی متوجه سرقت شود، واکنش‌های غیرمنتظره‌ای مانند فریاد زدن یا تلاش برای مقابله با سارق ممکن است باعث به خطر افتادن عملیات شود. بنابراین، این روش ممکن است برای سارق خطرناک باشد، زیرا شانس واکنش سریع از طرف قربانی وجود دارد و ممکن است عملیات به‌راحتی مختل شود. همچنین، احتمال شناسایی یا دستگیری به دلیل نزدیکی به قربانی و انجام عملیات در فضاهای عمومی زیاد است (Keynia, 2018).

درخواست پول از قربانی

در این روش، سارق به‌طور مستقیم از قربانی درخواست پول می‌کند، بدون آنکه الزاماً از ابزارهای پیچیده یا تهدیدات فیزیکی استفاده کند. این درخواست ممکن است به همراه تهدید به استفاده از سلاح یا اعمال فشار روانی باشد تا قربانی مجبور به تسلیم و دادن پول شود. سارق در این نوع سرقت به‌طور معمول وارد یک

فضا می‌شود و به‌طور صریح از قربانی درخواست می‌کند که پول یا دارایی خود را به او تحویل دهد. این درخواست معمولاً با تهدیدات روانی همراه است؛ برای مثال، سارق ممکن است قربانی را بترساند و به او بگوید که در صورت عدم اطاعت، به او آسیب خواهد رساند. در برخی موارد، سارق ممکن است از سلاح برای اعمال فشار بیشتر استفاده کند، حتی اگر این تهدیدها تنها برای ایجاد ترس و تسلیم شدن قربانی باشند (Ahmadi, 2019).

یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها در این روش، احتمال مقاومت قربانی است. در صورتی که قربانی در برابر درخواست پول مقاومت کند یا تنها بخواهد مقدار کمی پول تحویل دهد، عملیات ممکن است با مشکل مواجه شود. این مقاومت می‌تواند به شکل‌های مختلفی ظاهر شود: از عدم همکاری کامل گرفته تا اقدام به فرار یا حتی مقابله فیزیکی با سارق (Rezaei, 2018).

در این شرایط، مدیریت صحیح فشار روانی و تهدیدات از اهمیت بالایی برخوردار است. سارق باید به‌طور مؤثر ترس و تهدید را در ذهن قربانی ایجاد کند تا او به‌سرعت تسلیم شود. برای موفقیت در این نوع سرقت‌ها، سرعت عمل و توانایی ایجاد رعب و وحشت در قربانی از عوامل کلیدی است. در مجموع، این نوع سرقت به دلیل ساده بودن اجرا، برای سارقان جذاب است، اما نیاز به دقت بالا در اعمال فشار روانی و مدیریت واکنش‌های قربانی دارد. هرگونه اشتباه در این فرآیند می‌تواند به از دست دادن کنترل موقعیت و ناتمام ماندن عملیات منجر شود (Beheshti, 2020).

استفاده از چندین سارق برای تقسیم وظایف

در بسیاری از سرقت‌ها، به‌ویژه سرقت‌های بزرگ‌تر مانند سرقت از بانک‌ها، گروهی از سارقان به‌طور همزمان برای انجام عملیات وارد عمل می‌شوند. این گروه‌ها معمولاً برای بهبود عملکرد و کاهش ریسک‌ها، وظایف مختلفی را بین اعضای خود تقسیم می‌کنند.

ه: فرار

پس از موفقیت در انجام سرقت و به دست آوردن غنیمت، مرحله مهم بعدی فرار از محل سرقت است. مدت زمان این مرحله نقش حیاتی در موفقیت سرقت دارد، چرا که دزدان از سرعت واکنش پلیس و احتمال تعقیب و دستگیری آگاه هستند. برای تضمین فرار موفق، سارقان به روش‌هایی متوسل می‌شوند که امکان پنهان شدن و دور شدن از چشم نیروهای انتظامی را برای آن‌ها فراهم می‌آورد (Bahrami, 2016).

مدت زمان فرار

در تحقیقات انجام شده در کبک، مشخص شده که میانگین زمان از لحظه ورود سارقان به محل سرقت تا خروج از آن حدود یک دقیقه است. این زمان کوتاه نشان‌دهنده آگاهی سارقان از سرعت عمل پلیس و خطرات احتمالی است که در صورت طولانی شدن عملیات سرقت به وجود می‌آید. سارقان معمولاً می‌دانند که هرچه مدت زمان حضور آن‌ها در محل سرقت بیشتر باشد، احتمال شناسایی، مداخله پلیس یا مقاومت قربانی افزایش می‌یابد. به همین دلیل، آن‌ها برای کاهش این ریسک‌ها، عملیات را سریع و مؤثر انجام می‌دهند تا قبل از رسیدن نیروهای امنیتی محل را ترک کنند (Brown, 2008). این سرعت عمل به‌ویژه در سرقت‌هایی که در محیط‌های عمومی یا شلوغ صورت می‌گیرند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، جایی که سارقان می‌خواهند از هرگونه توجه ناخواسته یا شناسایی احتمالی جلوگیری کنند.

استفاده از کوچه‌ها و خیابان‌های کوچک

فرار در محیط شهری معمولاً از طریق کوچه‌ها و خیابان‌های کم‌ترافیک تسهیل می‌شود. سارقان تلاش می‌کنند از این مسیرها برای گم شدن از چشم پلیس و کاهش احتمال تعقیب استفاده کنند. این مسیرها امکان پنهان شدن سریع و دور ماندن از مسیرهای شلوغ را فراهم می‌آورند، که به سارقان فرصت می‌دهد تا به سرعت خود را از خطرات احتمالی دور کنند (Rahmani, 2017).

در این نوع سرقت‌ها، هر یک از اعضای گروه نقش خاصی را ایفا می‌کند. به‌طور معمول، یکی از سارقان مسئول تهدید و کنترل قربانیان یا کارکنان محل است، در حالی که سایر اعضا برای انجام سرقت عملیاتی مانند برداشت سریع پول‌ها از صندوق‌ها و گاوصندوق‌ها، جمع‌آوری دارایی‌ها یا حتی مراقبت از ورودی‌ها و خروجی‌ها مشغول می‌شوند. این تقسیم وظایف به سارقان کمک می‌کند تا در زمان محدودتری به اهداف خود دست یابند و خطرات احتمالی را کاهش دهند (Karimi, 2017). یکی از مهم‌ترین مزیت‌های این روش، تقسیم ریسک‌ها و مسئولیت‌ها بین اعضای گروه است. این تقسیم وظایف به سارقان این امکان را می‌دهد که هر نفر تنها بخشی از عملیات را بر عهده داشته باشد و در نتیجه مسئولیت کمتری نسبت به شکست کلی عملیات خواهد داشت. این استراتژی می‌تواند فشار زمانی را کاهش دهد و به سارقان اجازه می‌دهد که عملیات خود را سریع‌تر و به‌طور مؤثرتر اجرا کنند (Karimi, 2017).

علاوه بر این، استفاده از چند نفر برای انجام عملیات، خطرات مداخله پلیس یا مقاومت قربانیان را کاهش می‌دهد. زیرا زمانی که یک نفر در حال تهدید و کنترل افراد است، دیگران می‌توانند به سرعت به جمع‌آوری دارایی‌ها بپردازند و از وقفه یا تأخیر جلوگیری کنند.

در نهایت، به دست آوردن غنیمت یکی از مراحل حساس و حیاتی در سرقت همراه با خشونت است. تصمیم‌گیری درست در این مرحله می‌تواند تفاوت زیادی در موفقیت یا شکست عملیات ایجاد کند. انتخاب روش‌های مناسب و تقسیم وظایف بین اعضای گروه به‌طور صحیح، به سارقین کمک می‌کند تا خطرات را کاهش داده و عملیات را با موفقیت بیشتری به پایان برسانند. این اقدامات نه تنها ریسک‌ها را توزیع می‌کند، بلکه به سارقان زمان بیشتری برای اجرای سرقت و فرار فراهم می‌آورد (Jamshidi, 2018).

استفاده از خودرو

در بسیاری از سرقت‌ها، استفاده از خودرو برای فرار بخش مهمی از استراتژی سارقان است. انتخاب مسیرهای مناسب برای فرار می‌تواند تأثیر زیادی بر موفقیت عملیات داشته باشد. سارقان معمولاً مسیرهای کم‌ترافیک و روان را انتخاب می‌کنند تا از گیر افتادن در ترافیک و تأخیرهای ناخواسته جلوگیری کنند و بتوانند سریع‌تر از محل سرقت دور شوند. سارقان به‌طور معمول مسیرهایی را انتخاب می‌کنند که سرعت حرکت در آن‌ها زیاد باشد و شانس گیر افتادن در ترافیک یا مواجهه با موانع احتمالی کاهش یابد. این انتخاب به آن‌ها این امکان را می‌دهد که در کمترین زمان ممکن از محل جرم خارج شده و احتمال دستگیری‌شان کاهش یابد. همچنین، در برخی موارد، استفاده از مسیرهای کمتر شناخته‌شده یا جاده‌های فرعی می‌تواند از دید پلیس و دوربین‌های نظارتی دور بماند و در نتیجه شانس فرار بدون شناسایی را افزایش دهد (Kouhestani, 2020).

در نهایت، فرار از محل سرقت بخش حیاتی از موفقیت عملیات سرقت است. برنامه‌ریزی دقیق و انتخاب مسیرهای مناسب برای فرار، می‌تواند به سارقان کمک کند تا از دستگیری و تعقیب پلیس اجتناب کرده و به این ترتیب شانس موفقیت خود را افزایش دهند. مدیریت صحیح این بخش از عملیات، به سارقان اجازه می‌دهد تا با کاهش خطرات، از سرقت خود بهره‌برداری بیشتری داشته باشند.

یافته‌ها

سرقت‌های همراه با خشونت به‌طور مکرر در مکان‌های مشابه و بر اساس الگوهای مشخص رخ می‌دهند. این پدیده، نه تنها باعث تکرار جرم می‌شود، بلکه موجب ایجاد اطلاعات عملیاتی مهمی برای تحلیلگران و پلیس می‌گردد. تمایل سارقان به تکرار سرقت‌ها و رشد الگوهای تکراری آن‌ها به‌طور قابل‌توجهی در موفقیت عملیات پیشگیرانه تأثیر دارد. در حقیقت، یک سارق اغلب سریال‌وار به سرقت‌های مشابه در همان نواحی دست می‌زند و

به محض اینکه تحت تعقیب قرار می‌گیرد، پلیس می‌تواند او را به مجموعه‌ای از سرقت‌های مشابه مرتبط کند.

تمایل به تکرار سرقت‌ها

تحقیقات نشان می‌دهند که سارقان تمایل زیادی به انجام سرقت‌های متوالی دارند. احتمال دستگیری برای سارقی که تنها یک بار دست به سرقت زده باشد کم است، اما زمانی که جرم تکرار شود، شانس شناسایی و دستگیری به‌طور چشمگیری افزایش می‌یابد. به‌ویژه، زمانی که سارقان از مکان‌ها و الگوهای مشابه برای حملات خود استفاده می‌کنند، احتمال پیوستن سرقت‌ها به یکدیگر بیشتر می‌شود (Iron, 2010).

یکی از دلایلی که باعث تمایل به تکرار سرقت‌ها می‌شود، آشنایی بیشتر سارق با نقاط ضعف و کمبودهای امنیتی مکان‌های خاص است. این آشنایی می‌تواند سارقان را به انجام سرقت‌های مشابه در همان مناطق یا با الگوهای مشابه تشویق کند. به همین دلیل، هنگامی که یک سارق دستگیر می‌شود، معمولاً می‌توان او را به مجموعه‌ای از سرقت‌های مشابه یا همانند نسبت داد. در واقع، تکرار جرم به سارقان این امکان را می‌دهد که اشتباهات و نقص‌های گذشته را اصلاح کرده و با استفاده از تجربیات خود، سرقت‌های بعدی را با دقت و کارایی بالاتری انجام دهند. از طرف دیگر، این تکرار جرم می‌تواند شانس شناسایی و دستگیری سارق را افزایش دهد، چرا که پلیس معمولاً به الگوهای رفتاری سارقان و محل‌های وقوع سرقت توجه ویژه‌ای دارد و در موارد تکراری، شانس کشف هویت سارق افزایش می‌یابد (Farrokh, 2019).

پدیده بزه‌دیده‌سازی‌های مکرر

مطالعات نشان داده‌اند که صاحبان کسب‌وکارهایی که قبلاً هدف سرقت مسلحانه قرار گرفته‌اند، به‌ویژه در بازه زمانی کوتاه، احتمال بیشتری دارد که دوباره توسط سارقان هدف قرار بگیرند. این پدیده به‌عنوان «قربانی‌سازی مکرر» شناخته می‌شود و به این معناست که سارقان به مکان‌های خاص یا افرادی که قبلاً مورد سرقت قرار

نظارت امنیتی قوی یا شرایط خاصی که آن‌ها را به هدف‌هایی جذاب برای سارقان تبدیل می‌کند.

این روند می‌تواند به‌طور مداوم خود را تکرار کند، زیرا سارقان از موفقیت‌های قبلی خود در همان مکان‌ها بهره‌برداری می‌کنند و احتمالاً احساس می‌کنند که برای دستیابی به غنیمت‌های مشابه، باز هم به همان مکان‌ها حمله کنند.

استراتژی‌های پیشگیری

برای مقابله با پدیده سرقت‌های مکرر و جلوگیری از تکرار آن‌ها در مکان‌های خاص، سیاست‌های پیشگیرانه و تدابیر امنیتی مؤثر ضرورت دارند. یکی از اقدامات کلیدی در این راستا، تقویت امنیت مکان‌های آسیب‌پذیر پس از وقوع اولین سرقت است. به این ترتیب، پس از اولین سرقت، بررسی و ارزیابی وضعیت امنیتی آن مکان باید انجام شود و اقدامات لازم برای بهبود آن صورت گیرد. از جمله تدابیر مؤثر در این زمینه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: افزایش حضور پلیس: افزایش گشت‌های پلیس در مناطق پرخطر می‌تواند به‌طور چشمگیری از وقوع سرقت‌های مجدد جلوگیری کند. پلیس با حضور فعال می‌تواند ترس از دستگیری را در سارقان ایجاد کرده و ریسک سرقت‌ها را افزایش دهد.

بهبود طراحی محیطی: تغییراتی در طراحی محیطی مانند نصب دوربین‌های مدار بسته بیشتر، تقویت روشنایی معابر، نصب حصار یا دیوارهای بلندتر و استفاده از سیستم‌های امنیتی پیشرفته، می‌تواند مانع از رخ دادن سرقت‌ها شود. همچنین، تغییرات در نحوه قرارگیری ورودی‌ها و خروجی‌ها نیز می‌تواند دسترسی سارقان به مکان‌ها را محدود کند (Souri, 2019).

شناسایی نقاط داغ سرقت: شناسایی مناطقی که بیشترین سرقت‌ها در آن‌ها رخ می‌دهد، به‌عنوان «نقاط داغ»، می‌تواند به مقامات کمک کند تا نظارت بیشتری بر این مناطق داشته باشند و اقدامات امنیتی مؤثری انجام دهند.

گرفته‌اند، تمایل دارند دوباره حمله کنند (Babaei Banaei, 2010). یکی از دلایلی که این اتفاق می‌افتد، این است که سارقان به راحتی به این مکان‌ها و افراد دسترسی دارند و ممکن است آن‌ها را به عنوان هدف‌های آسان و کم‌ریسک شناسایی کنند.

به علاوه، در برخی مواقع، صاحبان کسب‌وکار پس از اولین سرقت ممکن است از نظر مالی قادر به تقویت سیستم‌های امنیتی خود نباشند، که این خود می‌تواند آن‌ها را به هدفی مناسب برای سرقت‌های بعدی تبدیل کند (Sotoudeh, 2017). تحقیقات نشان می‌دهند که تجربه‌های قبلی سارقان از انجام سرقت در یک مکان خاص، به آن‌ها کمک می‌کند تا نقاط ضعف امنیتی را شناسایی کرده و از آن‌ها برای انجام سرقت‌های بعدی بهره‌برداری کنند. این مسئله به نوبه خود به افزایش خطر وقوع سرقت‌های مکرر برای همان کسب‌وکارها منجر می‌شود.

مکان‌های خاص سرقت

گاهی اوقات سارقان به مکان‌هایی حمله می‌کنند که پیش از این بارها هدف سرقت قرار گرفته‌اند یا از مکان‌هایی که قبلاً توسط دیگران هدف قرار گرفته‌اند، آگاه هستند. این روند تمرکز مکانی در سرقت‌ها نشان می‌دهد که احتمال وقوع سرقت‌های مجدد در مکان‌هایی که پیش‌تر هدف سرقت بوده‌اند، بسیار زیاد است. به عبارت دیگر، وقوع یک سرقت در یک مکان خاص می‌تواند به نوعی پیش‌بینی وقوع سرقت‌های دیگر در همان مکان تبدیل شود. این پدیده به دلیل آشنایی سارقان با نقاط ضعف امنیتی همان مکان‌ها و همچنین ارزیابی راحت‌تر آن‌ها از دسترسی و زمان‌بندی مناسب برای سرقت است (Mir Mohammad Sadeghi, 2018).

زمانی که یک مکان قبلاً هدف قرار گرفته و آسیب‌هایی به سیستم‌های امنیتی آن وارد شده است، سارق می‌تواند با استفاده از این تجربیات، حمله به آن مکان را راحت‌تر و کم‌خطرتر بداند. علاوه بر این، برخی مکان‌ها به‌طور طبیعی تبدیل به «مکان‌های هدف» می‌شوند، به دلیل ویژگی‌هایی مانند مکان‌های پرتردد، نبود

آشنایی به آن‌ها این امکان را می‌دهد که با اطمینان بیشتری سرقت‌های مشابه را انجام دهند.

نقاط ضعف امنیتی شناسایی شده در سرقت‌های قبلی، ممکن است انگیزه‌ای برای تکرار جرم ایجاد کند.

استفاده از الگوهای ثابت: بسیاری از سارقان، به‌ویژه آن‌هایی که به‌صورت سریالی سرقت می‌کنند، ممکن است از الگوهای مشابه در انتخاب مکان، زمان و شیوه سرقت استفاده کنند. این الگوها می‌توانند شامل مکان‌های خاص، نوع تهدید و حتی زمان‌های مشابه روز یا هفته باشند.

دریافت پاداش و تجربه: سارقان که در سرقت‌های قبلی موفق بوده‌اند، ممکن است انگیزه‌ای برای تکرار سرقت‌ها داشته باشند. علاوه بر این، تجربه قبلی در انجام سرقت باعث افزایش اعتمادبه‌نفس سارق می‌شود و احتمال تکرار جرم را بالا می‌برد.

شناسایی سارقان سریالی و پیشگیری از سرقت‌های بعدی یکی از اولویت‌های اصلی برای مقامات انتظامی و تحلیلگران جرم، شناسایی سارقان سریالی و بررسی ویژگی‌های تکراری جرم‌های آن‌ها است. این شناسایی می‌تواند با تحلیل الگوهای سرقت، جمع‌آوری شواهد و مشاهدات در مکان‌های مختلف، و همچنین تحلیل رفتار سارقان صورت گیرد. اطلاعات به‌دست‌آمده می‌تواند به تدوین استراتژی‌های پیشگیرانه، مانند افزایش نظارت در مکان‌های هدف، تقویت امنیت و بهبود فناوری‌های پیشگیری از جرم کمک کند. در نهایت، پیشگیری از تکرار سرقت‌ها نیازمند رویکردی سیستماتیک و منسجم است که شامل تجزیه و تحلیل الگوهای رفتاری سارقان، اعمال تدابیر امنیتی پیشرفته، و استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی و تحلیل داده‌ها برای شناسایی تهدیدات جدید می‌باشد.

مکان‌های خاص هدف سارقان

مکان‌های خاص معمولاً به‌طور مکرر و به دلایل مختلفی مورد سرقت قرار می‌گیرند. این مکان‌ها ممکن است ویژگی‌هایی داشته

این نقاط داغ ممکن است مناطقی با شرایط خاصی ضعف‌های امنیتی مداوم باشند که سارقان تمایل دارند آن‌ها را هدف قرار دهند. با تقویت امنیت در این نقاط داغ و استفاده از سیاست‌های پیشگیرانه مناسب، می‌توان تا حد زیادی از وقوع سرقت‌های مکرر جلوگیری کرده و امنیت عمومی را ارتقا داد (Najafi Tavana, 2017).

نتیجه‌گیری

سرقت‌های مکرر و اطلاعات حاصل از آن‌ها به محققان و مقامات امنیتی کمک می‌کند تا بتوانند الگوهای مشخص سرقت را شناسایی کرده و سیاست‌های پیشگیرانه مؤثری را به کار گیرند. تمرکز بر مکان‌های پرخطر و تقویت امنیت در آن‌ها می‌تواند احتمال وقوع سرقت‌های مکرر را کاهش داده و در نهایت از بروز جرم‌های مشابه جلوگیری کند. در راستای پیشگیری و مقابله با سرقت‌های مسلحانه، اولویت‌های اقدامات پیشگیرانه و سرکوبگرانه باید به‌دقت برنامه‌ریزی و پیاده‌سازی شوند. این اقدامات باید بر اساس شواهد و الگوهای تکرار و وقوع سریالی جرائم طراحی شوند. مهم‌ترین نکات و اقدامات باید به شرح زیر باشند:

تمایل سارقان به تکرار سرقت‌ها

یک سارق معمولاً تمایل دارد که سرقت‌های مشابهی را در همان مکان‌ها و با استفاده از همان شیوه‌های قبلی انجام دهد. این تمایل به تکرار جرم و استفاده از الگوهای ثابت در سرقت‌ها، به‌ویژه در سارقان سریالی، می‌تواند به شناسایی و پیشگیری از سرقت‌های بعدی کمک کند. بسیاری از سارقان به دلیل آشنایی با نقاط ضعف امنیتی مکان‌های خاص یا راحتی در اجرای شیوه‌های قبلی، ترجیح می‌دهند که سرقت‌های خود را تکرار کنند. برخی دلایل تمایل به تکرار سرقت‌ها عبارتند از:

آشنایی با مکان‌ها و نقاط ضعف امنیتی: سارقان سریالی معمولاً نسبت به مکان‌هایی که قبلاً سرقت کرده‌اند، آشنایی دارند و این

جمله راه‌حل‌هایی هستند که می‌توانند به کاهش خطر سرقت کمک کنند.

افزایش حضور نگهبانان و پلیس: قرار دادن نگهبانان در مکان‌هایی که بیشتر در معرض سرقت قرار دارند، به‌ویژه در ساعات پرتراфик، می‌تواند از وقوع سرقت‌ها جلوگیری کند. همچنین، پلیس می‌تواند از طریق گشت‌زنی‌های مداوم نظارت بیشتری بر این مکان‌ها داشته باشد.

بهبود طراحی محیطی: تغییرات معماری و طراحی مکان‌ها می‌تواند از سرقت‌ها جلوگیری کند. به‌طور مثال، کاهش نقاط پنهان یا تاریک در محیط‌ها، ایجاد روشنایی مناسب و استفاده از حصارها یا موانع فیزیکی می‌تواند دسترسی سارقان را محدود کند.

آگاه‌سازی و آموزش: آموزش کارکنان و مدیریت مکان‌ها درباره روش‌های شناسایی سارقان و اقدامات پیشگیرانه، می‌تواند در کاهش سرقت‌ها مؤثر باشد. همچنین، اطلاع‌رسانی به مشتریان درباره اقدامات امنیتی در حال اجرا و تشویق آن‌ها به گزارش رفتارهای مشکوک نیز اهمیت دارد.

در نهایت، پیشگیری از سرقت‌های مجدد نیازمند ارزیابی و تقویت مستمر تدابیر امنیتی در مکان‌های خاص است. شناسایی و مقابله با نقاط ضعف و اجرای استراتژی‌های امنیتی پیشرفته می‌تواند خطر وقوع سرقت‌ها را به میزان زیادی کاهش دهد.

نظارت بر نقاط داغ شهری

برخی از بخش‌های یک شهر به دلایل مختلف، از جمله تراکم جمعیت، ویژگی‌های اقتصادی یا ضعف در سیستم‌های امنیتی، به نقاط داغی تبدیل می‌شوند که بیشتر در معرض سرقت‌ها، به‌ویژه سرقت‌های مسلحانه هستند. نظارت و کنترل این نقاط داغ یکی از مهم‌ترین استراتژی‌های پیشگیرانه برای کاهش وقوع جرم است.

محله‌ها یا نواحی که جمعیت زیادی در آن‌ها متمرکز است، می‌توانند هدف‌های جذاب برای سارقان باشند، چرا که احتمال پنهان شدن در جمعیت زیاد است. این مناطق معمولاً شلوغ بوده و

باشند که آن‌ها را برای سارقان جذاب کرده و یا به علت نقاط ضعف در سیستم‌های امنیتی، هدف‌های آسانی برای جرم می‌سازند. از جمله ویژگی‌های مکان‌هایی که بیشتر در معرض سرقت هستند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

نقاط ضعف امنیتی: مکان‌هایی که سیستم‌های امنیتی ضعیف یا ناقص دارند، مانند فروشگاه‌هایی با دوربین‌های نظارتی ناکافی یا ساختمان‌هایی با درهای قفل‌نشده یا سیستم‌های هشدار ناکارآمد، بیشتر در معرض سرقت قرار می‌گیرند. این مکان‌ها برای سارقان جذاب هستند، زیرا خطر شناسایی یا دستگیری در آن‌ها کمتر است. دسترسی آسان: مکان‌هایی که به راحتی قابل دسترسی باشند، مانند فروشگاه‌های بدون نگهبان، بانک‌ها در ساعات خلوت، یا مراکز خرید با تعداد زیادی ورودی و خروجی، بیشتر هدف سارقان قرار می‌گیرند. دسترسی سریع به محل سرقت و فرار از آن، مزیتی برای سارق فراهم می‌کند. مکان‌های پرپول یا دارایی ارزشمند: بانک‌ها، صرافی‌ها، طلافروشی‌ها و فروشگاه‌هایی که اقلام گران‌قیمت به فروش می‌رسانند، مکان‌های هدف مطلوبی برای سارقان هستند. این مکان‌ها معمولاً منابع مالی یا دارایی‌های گران‌قیمتی دارند که سارقان به دنبال آن‌ها هستند.

نقاط تکراری: مکان‌هایی که قبلاً مورد سرقت قرار گرفته‌اند، به دلیل آشنایی سارقان با آن‌ها و شناسایی نقاط ضعف امنیتی، تمایل دارند که دوباره هدف قرار بگیرند. سارقان معمولاً از موفقیت‌های قبلی خود در این مکان‌ها استفاده کرده و به آن‌ها بازمی‌گردند.

تقویت امنیت مکان‌های خاص

برای جلوگیری از وقوع سرقت‌های مجدد در مکان‌های خاص، تقویت امنیت این مکان‌ها ضروری است. برخی از اقدامات پیشگیرانه شامل موارد زیر است:

نصب سیستم‌های امنیتی پیشرفته: ارتقای سیستم‌های دوربین مداربسته، نصب قفل‌های مقاوم و سیستم‌های هشداردهنده، از

آموزشی برای مدیران فروشگاه‌ها، کسب‌وکارها و ساکنان درباره اقدامات امنیتی و نحوه شناسایی رفتارهای مشکوک، به افزایش آگاهی و مشارکت جامعه در کاهش سرقت‌ها کمک می‌کند.

استفاده از فناوری‌های پیشرفته: به‌کارگیری فناوری‌های نوین نظیر نرم‌افزارهای هوش مصنوعی برای تحلیل و شناسایی الگوهای رفتاری غیرعادی در داده‌های مربوط به دوربین‌ها و دستگاه‌های نظارتی می‌تواند از وقوع جرم جلوگیری کند. این فناوری‌ها قادر به شناسایی الگوهای تکراری سرقت یا رفتارهای مشکوک در نقاط داغ هستند.

پوشش رسانه‌ای و هشدار عمومی: استفاده از رسانه‌های محلی برای آگاه‌سازی عمومی درباره نقاط داغ و خطرات احتمالی می‌تواند به مردم کمک کند که در هنگام تردد از این مناطق مراقب باشند. هشدارها و اطلاعات عمومی می‌تواند باعث کاهش آسیب‌پذیری افراد شود.

بهبود طراحی شهری: گاهی اوقات، بهبود طراحی و تغییرات فیزیکی در محیط‌های شهری می‌تواند به کاهش جرم کمک کند. این تغییرات می‌توانند شامل بهبود روشنایی، ایجاد موانع فیزیکی برای دسترسی به برخی مناطق، یا تغییرات در ساختار خیابان‌ها برای افزایش دید و نظارت در نواحی خاص باشد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

Violent robbery represents one of the oldest and most recognized forms of criminal behavior throughout human history, spanning from armed bandits in medieval Europe who targeted travelers and monasteries to modern highway robbers in politically and socially unstable regions (Iron, 2010). Historically, in Western medieval societies, structural

توجه پلیس یا مأموران امنیتی ممکن است کمتر جلب شود. مراکز خرید، بازارهای شبانه، فروشگاه‌های بزرگ یا مراکز تجاری که در آن‌ها حجم بالایی از تراکنش‌های مالی و کالاهای گران‌قیمت وجود دارد، به‌طور طبیعی نقاط جذابی برای سارقان هستند. همچنین، این مکان‌ها ممکن است در ساعات خلوت شب به دلیل کاهش تعداد پرسنل، آسیب‌پذیرتر شوند.

مناطق که به دلیل وضعیت مالی یا توجه کم به مسائل امنیتی، فاقد سیستم‌های نظارتی مناسب هستند، بیشتر در معرض سرقت قرار می‌گیرند. این مناطق ممکن است شامل محل‌هایی مانند فروشگاه‌های کوچک، آپارتمان‌های قدیمی یا مراکز خدمات عمومی با پوشش امنیتی ضعیف باشند. حال باید دید استراتژی‌های نظارت بر نقاط داغ شهری کدام است. یکی از راهبردها نظارت هوشمند و استفاده از دوربین‌های مداربسته است: نصب دوربین‌های مداربسته در نقاط داغ شهری می‌تواند به شناسایی و رصد دقیق فعالیت‌های مشکوک کمک کند. در صورت وقوع جرم، این دوربین‌ها می‌توانند مدارک و شواهد مورد نیاز را برای پیگیری سارقان فراهم کنند.

گشت‌های مداوم پلیس و نیروهای امنیتی: افزایش گشت‌های میدانی پلیس و نیروهای امنیتی در نقاط داغ می‌تواند به ایجاد رعب و وحشت برای سارقان و کاهش تمایل به ارتکاب جرم کمک کند. همچنین، وجود نیروی انسانی در این مناطق باعث می‌شود که احتمال وقوع جرم به میزان زیادی کاهش یابد.

مشارکت با کسب‌وکارها و جامعه: کسب‌وکارها و ساکنان محلی می‌توانند نقش مهمی در افزایش امنیت ایفا کنند. برگزاری جلسات

weaknesses in governmental and policing mechanisms provided an ideal environment for groups of robbers to conduct raids on agricultural estates and trade caravans, exploiting the vulnerability of victims to achieve maximum gains with minimal risk of immediate capture (Safa & Fouladi, 2019). Unlike contemporary criminals who often act individually or in small units, historical

robbers relied heavily on organized group strategies and systematic use of violence to control victims and ensure the success of their operations. This pattern of violent robbery underscores the importance of understanding both the situational and behavioral factors that historically facilitated the occurrence of such crimes, providing a foundation for contemporary criminological analysis of violent theft. Recognizing the evolution of these offenses over centuries allows for a comparative approach to analyzing motivations, strategies, and structural enablers that continue to influence criminal behavior in modern contexts (Bastani et al., 2018).

In the contemporary world, violent robberies have manifested in diverse forms across various geographical and socio-economic environments. In some unstable regions of Africa, patterns reminiscent of historical organized banditry are observed, while in more developed nations such as the United States and Canada, these offenses typically occur as individual or small-group incidents targeting public spaces, retail outlets, and financial institutions (Najafi Tavana, 2017). Despite significant technological advancements and enhanced security measures, including widespread CCTV surveillance, alarm systems, and non-cash payment options, violent robbery remains a persistent public safety concern (Khalatbari et al., 2020). The persistence of these crimes, despite technological deterrents, reflects the adaptive strategies employed by offenders, including careful planning, target selection, and operational timing, which are crucial to their success. Consequently, violent robbery should be conceptualized as a sequential process comprising interdependent stages, each of which plays a critical role in determining the overall outcome of the criminal act (Karimi, 2017). Understanding this process-oriented perspective provides

valuable insights for law enforcement and crime prevention strategies by identifying key intervention points and vulnerabilities that can be exploited to disrupt criminal operations.

The operational stages of violent robbery generally include target selection, creation of surprise, victim control, acquisition of assets, and escape, each stage governed by a combination of environmental, psychological, and tactical considerations (Kouhestani, 2020). Target selection is determined by a confluence of factors, including asset value, perceived vulnerability, the presence of security measures, and the likelihood of immediate law enforcement response (Bertau, 2021). Criminals strategically evaluate locations based on operational feasibility, weighing potential risks and rewards to maximize gain while minimizing exposure to apprehension. In addition, offenders assess specific victim characteristics, including capacity for resistance, routine behaviors, and situational awareness, which influence the probability of a successful robbery (Hosseini & Ahmadi, 2016). Firearms are often employed as strategic tools to enhance the perceived threat, thereby reducing victim resistance and providing a mechanism for controlling multiple targets simultaneously; however, their use also introduces heightened risks, including potential fatalities and severe legal consequences (Madani, 2017). The selection and deployment of firearms require careful cost-benefit analysis, reflecting the balance between operational advantage and the potential for escalation or legal sanctions.

The stage of creating surprise is equally critical to the success of violent robbery, encompassing approaches such as ordinary appearance, sudden assault, distraction exploitation, and ambush (Beheshti, 2020). Offenders frequently enter crime scenes under the guise of ordinary patrons to minimize initial suspicion, thereby gaining proximity to

victims before initiating threat or force (Namavar, 2021). Sudden assaults, loud disruptions, and the exploitation of victim inattentiveness are employed to induce confusion and impede resistance (Jalili & Kazemi, 2019). Ambush techniques, including strategic positioning in low-visibility or secluded areas, provide offenders with temporal and spatial advantages for controlling victims before they can react effectively (Farahani, 2018). These methods collectively facilitate the creation of psychological and operational dominance, ensuring the offender can maintain control throughout the subsequent stages of the robbery.

Once surprise is established, offenders must secure compliance from victims, employing psychological intimidation, verbal threats, and physical coercion to eliminate resistance and maintain control over the environment (Karimi, 2019). Display of weapons, forceful physical contact, and the imposition of immediate fear are tactical measures to expedite victim submission and reduce the time necessary for asset acquisition (Rezaei, 2018). Additional strategies, including temporary hostage-taking and use of threatening notes or verbal instructions, augment the offender's control, minimizing potential disruption or interference from bystanders (Hosseini, 2020). The integration of these techniques reflects a deliberate orchestration of psychological pressure and tactical force, ensuring compliance and facilitating rapid progression to asset acquisition with reduced operational risk.

Asset acquisition constitutes the subsequent stage, encompassing direct theft from the victim, coercive solicitation of property, and task allocation among multiple offenders in coordinated operations (Nikpey, 2018). The methods employed are selected based on the risk of victim resistance, visibility to law enforcement, and the type of assets targeted.

Offenders prioritize speed and efficiency, using pre-established procedures and division of labor to minimize exposure while maximizing the quantity and quality of stolen goods (Jamshidi, 2018). The operational success in this stage is directly linked to prior planning, victim control, and effective execution of surprise, underscoring the interconnectedness of each phase in the robbery sequence. Group operations provide advantages such as risk distribution, task specialization, and rapid processing of assets, all of which enhance the overall likelihood of operational success (Karimi, 2017).

The final stage, escape, is a critical determinant of the overall success of violent robbery. Planning involves route selection, vehicle choice, timing, and contingency preparation to avoid detection or apprehension by law enforcement (Bahrami, 2016). Effective escape strategies consider environmental factors, such as traffic patterns, surveillance density, and public foot traffic, as well as operational factors including speed, stealth, and alternate routes (Kouhestani, 2020). Rapid withdrawal from the scene ensures minimal engagement time, reducing the probability of immediate law enforcement intervention or victim-led interference. Integration of careful escape planning with prior stages—including target selection, surprise, victim compliance, and asset acquisition—represents a holistic, process-driven approach to violent robbery, highlighting the systematic nature of the offense and the multiple opportunities for law enforcement intervention or preventative measures. Collectively, these insights illustrate the operational complexity of violent robbery and underscore the necessity for multi-faceted strategies that combine situational awareness, environmental design, behavioral profiling, and technological support to mitigate risks and reduce the incidence of such offenses.

References

- Abbaszadeh, H. (2020). *An Examination of Theft Methods in Public Places*. Islamic Azad University Publications.
- Ahmadi, M. (2016). *Sociology of Deviance*. Islamic Azad University Publications.
- Ahmadi, M. (2019). *Psychological Reactions of Victims in Violent Crimes*. Sociology Publications.
- Babaei Banaei, M. (2010). *An Examination of Factors Affecting the Commission of Theft in Tehran*. Scientific Publications.
- Bahrani, A. (2016). *Escape Strategies and Reducing the Risk of Arrest after Theft*. Police Publications.
- Bastani, M., Akrami, A., & Karami Rad, M. (2018). *Biological and Genetic Factors of Delinquent Behavior*. Scientific and Cultural Publications.
- Beheshti, A. (2020). *Analysis of Street Theft Strategies and Surprise Techniques*. University of Tehran Publications.
- Bertau, J. (2021). *Examining Residential Burglary Patterns Using Exploratory Spatial Data Analysis: A Case Study of Zahedan*. University of Zahedan Publications.
- Brown, J. (2008). *Comparison of Theft Operation Times in Different Areas*. Cambridge Publications.
- Farahani, N. (2018). *Ambush in Thefts: Analysis and Examination of Techniques*. Law and Social Sciences Publications.
- Farrokh, M. (2019). *Abnormal Psychology and Symptomatology of Mental Disorders*. Scientific Publications.
- Feldman, D. (2007). *Criminal Psychology and Criminal Behavior*. Routledge.
- Fisher, J. (2005). *The History of Banking Crimes in the Twentieth Century*. Oxford Publications.
- Hosseini, A., & Ahmadi, M. (2016). *Theft Methods and Analysis of Criminal Behavior Using Distraction*. Legal Publications.
- Hosseini, H. (2020). *Strategies for Preventing Street Crimes*. University of Tehran Publications.
- Iron, J. (2010). *Abnormal Psychology*. Routledge.
- Jalili, M., & Kazemi, A. (2019). *Street Thefts and Methods of Surprising the Victim*. Rahdan Publications.
- Jamshidi, A. (2018). *Crisis Management in Theft Operations*. Arya Publications.
- Karimi, S. (2017). *Psychological Analysis of Fear and Its Effect on Victims' Reactions in Thefts*. Psychology Publications.
- Karimi, S. (2019). *Methods of Committing Theft and Countermeasures*. Kayhan Publications.
- Keynia, F. (2018). *Foundations of Criminology*. Kayhan Publications.
- Khalatbari, N., Khoshzad, A., & Akbari, S. (2020). *Armed Robberies*. Institute for Humanities Research Publications.
- Kouhestani, M. (2020). *Rapid and Effective Escape: The Importance of Low-Traffic Routes*. Research Publications.
- Madani, M. (2017). *An Examination of the Social Pathology of Theft in Shiraz*. Shiraz Publications.
- Mir Mohammad Sadeghi, A. (2018). *Crimes against Property and Ownership*. University of Tehran Publications.
- Mohammad Nasl, A. (2017). *The Process of Crime Prevention*. Rozaneh Publications.
- Moradi, H., & Sharifi, A. (2018). *Analysis of Violent Crimes in Large Cities*. Research Publications.
- Najafi Tavana, H. (2017). *Criminology*. University of Tehran Publications.
- Namavar, M. (2021). *Criminological Analysis of Theft Methods*. Islamic Azad University Publications.
- Nikpey, A. (2018). *Street Thefts and the Psychology of Criminals*. Research Publications.
- Qorban Hosseini, H. (2016). *Criminology and Criminal Investigation of Theft*. Imam Sadiq University Publications.
- Rahmani, H. (2017). *A Study of Thieves' Escape Patterns from the Crime Scene*. Sociology Publications.
- Rezaei, A. (2018). *Behavioral Study of Violent Offenders and Prevention Strategies*. Research Publications.
- Safa, A., & Fouladi, H. (2019). *A Qualitative Study of the Causes and Contexts of Residential Burglary and Its Effect on Social Order and Security*. University of Tehran Publications.
- Sotoudeh, H. (2017). *Social Pathology*. Avaye Noor Publications.
- Souri, M. (2019). *Criminal Psychology and Criminal Personality Analysis*. Roshd Publications.
- Taj Zaman, A. (2019). *Who Is the Criminal and What Is Criminology?* Scientific Publications.
- Yousefzadeh, A., & Kamrani, H. (2017). *Psychological Analysis of Theft Methods and Acts of Violence*. Psychology Publications.